

جرم افترا در قانون مجازات

فصل چهاردهم قانون مجازات عمومی بعنوان (افترا و توهین و هتك حرمت) تنظیم و مواد آن بقرار ذیل است:

« ماده ۲۶۹ هر کس بوسیله اوراق چاپی یا خطی یا بوسیله انتشار اعلان یا اوراق مزبوره یا بوسیله نطق در مجامع بیک یا چند نفر امری را صریحاً نسبت دهد که مطابق قانون مجازات آن امر جنحه یا جنایت محسوب شود. مقتری محسوب خواهد شد مشروط بر اینکه نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید. »

« ماده ۲۷۰ در صورتیکه اسناد دهنده صحت امور منتسبه را در محکمه صالحه ثابت نماید از مجازات معاف خواهد بود و الامقتری است. »

« ماده ۲۷۱ در صورتیکه اسناد دهنده نتواند اسناد را ثابت نماید مقتری محسوب و مجازات او حبس تأدیبی از یکماه الی یکسال و تأدیه بیست الی پنجاه تومان غرامت و یا یکی از این دو مجازات است. »

« ماده ۲۷۲ هر کس نظاماً یا نشرأ کسی را هجو کند و آرا منتشر نماید بحبس تأدیبی از هشت روز الی یکماه یا بتأدیه غرامت از شش الی پنجاه تومان محکوم می شود. »

ولی در مواد فوق غیر از ماده ۲۷۲ نسبت بتوهین و هتك حرمت نص صریحی ملاحظه نمیشود و مفاد مواد مزبوره فقط ناظر است بافتراء و اگر هجو مذکور در ماده ۲۷۲ را بگونه از توهین بدانیم عنوان فصل فوق الذکرتا اندازه بجا خواهد بود. چه آنکه ماد اخیر الذکر دلالت ندارد: اگر کسی شفاهاً دیگری را هجو نماید قابل مجازات است بنا بر این توهینات شفاهی افراد بیکدیگر قابل مجازات بمنوان جنحه نخواهد بود (۱)

۱ - ممکن است کسی را که شفاهاً بد دیگری توهین میکند بموجب جزء ۱۰ ماده ۳ نظامنامه امور خلافی تعقیب و مجازات کرد.

ممکن است تصور کرد منظور از ذکر توهین در عنوان فصل برای این است که افتراء شامل توهین و هتك حرمت نیز میباشد. ولی اولاً افتراء اخص از توهین است ثانیاً با این تصور باز قید (توهین و هتك حرمت در عنوان لازم نبوده است

در سال ۱۳۱۳ موارد دیگری که بیعضی جهات با جرم افتراء نزدیک و شباهت دارد ضمن ماده ۲۶۹ مکرر جرم شناخته شده و بفصل مذکور اضافه گردید که بشرح ذیل است:

« ماده ۲۶۹ مکررالف - اگر کسی بقصد متهم نمودن غیر آلات و ادوات جرم و یا اشیاء حاصله از آن و یا اشیائی را که یافت شدن آن در تصرف یک نفر موجب اتهام او میگردد بدون اطلاع آن شخص در منزل یا دکان یا مغازه و یا جیب و یا اشیائیکه متعلق باوست بگذارد یا مخفی کند در اثر این عمل شخص مزبور تعقیب گردد پس از ثبوت برات آن شخص مرتکب بطریق ذیل مجازات خواهد شد

۱ - در صورتیکه قصد او از عمل مزبور متهم ساختن غیر بارتکاب جنحه بوده بحبس تأدیبی از یکماه الی شش ماه.

۲ - در صورتی که قصد او از آنعمل متهم ساختن غیر بارتکاب جنابتی بوده بحبس تأدیبی از شش ماه تا دو سال.

ب - هر کس بقصد اضرار بغير یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی بوسیله مراسلات یا عرایض یا راپورتنها یا نشر یا توزیع هرگونه اوراق چاپی یا خطی با امضاء یا بدون امضاء اکاذیبی را اظهار نماید یا اعمالی را بر خلاف حقیقت رؤسا یا بعنوان نقل قول بشخص یا اشخاص یا مقامات رسمی تصریحاً یا تلویحاً نسبت دهد اعم از اینکه از طریق مزبور بنحوی از اضرار ضرر مادی یا معنوی بغير وارد شود یا نه بحبس تأدیبی از یکماه تا دو سال محکوم

درج آنها در روزنامه میباید (۱)

و بالاخره در تاریخ ۱۸ دیماه ۳۱۱ قانون مجازات مستخدمین قشونی که برخلاف حقیقت (راپورت) گزارش میدهند تحت ماده واحده تصویب شده است (۲)

جرم افتراء جنحه است ولی اگر مرتکب مأمورین رسمی باشند جرم جنایت محسوب شده است چنانچه در مواد ۲۱۴ مکرر و قسمت ب از ماده ۲۶۹ مکرر ملاحظه شد این تغییر صورت جرم بلحاظ ذیل قابل انتقاد است: زیرا مجازات مرتکبین جرم مذکور در قسمت ب از ماده ۲۶۹ مکرر از یکماه تا دو سال حبس تأدیبی معین شده و مجازات مأمورین رسمی که ارتکاب آنها بجرم مبنی بر یکی از جهات مذکوره در بند الف همان ماده باشد دو برابر مجرمین عادی است که از دو ماه تا چهار سال حبس میشود و نه می توان این حبس را تأدیبی دانست و نه مجرد؛ چه آنکه بموجب ماده ۱۲ قانون مجازات عمومی مدت حبس مجرد از دو تا ده سال و مدت حبس تأدیبی از هشت روز الی سه سال است.

و طبق قسمت ب از ماده ۲۱۴ مکرر مجازات مفتری در صورتیکه جرم اسناد داده شده مستلزم حبس مؤبد با اعمال شاقه باشد حبس موقت با اعمالی شاقه که کمتر از سه سال نباشد خواهد بود

در این مورد (تعقیب مفتری علاوه بر آنکه دارای استکلاتی است که بعداً ذکر می شود) معلوم نیست محکمه می تواند مفتری را به بیش از سه سال حبس نیز محکوم نماید یا خیر؛ گرچه حداکثر حبس موقت با اعمال شاقه طبق ماده ۱۲ قانون مجازات عمومی پانزده سال است ولی در این مورد عبارت (کمتر از سه سال نباشد) حداقل را تعدید کرده و تصریح نشده که حبس دارای حداکثر هم هست یا نه مگر آنکه همین مقدار حبس را بدون حداکثر و اقل تلقی کنیم

از ملاحظه مواد قوانین فوق الذکر سه نوع افتراء بدست می آید

خواهند شد و اگر راپورت از شخص رسمی در حدود صلاحیت او مبنی بر یکی از جهات مذکوره در بند الف باشد مجازات او دو برابر مجرمین عادی است.

و در سال ۱۳۱۲ که فصل پنجم قانون مجازات عمومی (راجع بهتک ناموس و منافیات عفت) از ماده ۲۰۷ تا ماده ۲۱۴ اصلاح شد در ماده ۲۱۴ مکرر اشاره بافتراء شده که ذیلادرج میشود.

« ماده ۲۱۴ مکرر الف .
ب - هرکس یکی از جرایم مذکوره در این فصل را از روی غرض بکسی نسبت بدهد در صورتیکه جرم مزبور در محکمه ثابت نشود مفتری بنصف حد اقل مجازاتیکه نسبت داده محکوم خواهد شد و در صورتیکه جرم مستلزم مجازات حبس مؤبد با اعمال شاقه باشد مفتری بحبس موقت با اعمال شاقه که کمتر از سه سال نباشد محکوم خواهد شد. در صورتی که مفتری از مأمورین کشف جرایم باشد مجازات او ضعف مجازات فوق است

و نیز در قانون راجع بجلوگیری از اجناس ممنوع-الورود مصوبه ۳۱ خرداد ۱۳۱۱ ماده مخصوصی راجع به جرم افتراء وضع شده که عیناً ذکر میشود:

« ماده ۱۱ مأمورین دولتی که یکی از جرمهای مذکور در اینقانون یا قوانین مربوطه بانحصار تجارت واسعار خارجی را با علم باینکه برخلاف واقع است بکسی نسبت دهند بمجازات مفتری و انفصال ابد از خدمات دولتی محکوم خواهند شد. »

و ماده ۱۷ قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۲۹ اسفند ۱۳۱۲ اشاره در این خصوص کرده بدینطریق:
« ماده ۱۷ مأمورینی که برخلاف واقع کسی را متهم بارتکاب جرم قاچاق کرده و موجب مزاحمت شده باشند پس از ثبوت بجبران خسارتی که برایشان وارد آورده اند و بانفصال موقت یا دائم از خدمات دولتی محکوم خواهند شد مگر آنکه بموجب قانون دیگری عمل آنها مستلزم مجازات شدید تری باشد. »

همچنین قانون مطبوعات مصوب ۵ محرم الحرام ۱۳۲۶ قمری شامل موادی راجع بافتراء و توهین بوسیله

۱ - از فصل چهارم ماده ۱۷ الی آخر قانون

۲ - مجموعه ۱۳۱۱

کرده باشد که جرم یا مصادیق مذکوره را نسبت داده است

۲ - در صورتیکه عمل منتسب بدیگری در تاریخ اسناد جرم نباشد ولی قبلاً جرم محسوب و ارتکاب شخص مورد اسناد هم بزمانی که آن عمل جرم بوده داده شود و همچنین اگر عمل انتسابی در تاریخ اسناد جرم باشد ولی ارتکاب دیگری موقعی که آن کار جرم نبوده معین شده باشد

۳ - اگر عمل مورد اسناد جرم باشد ولی پس از وقوع جرم افترا و قبل از صدور حکم قطعی نسبت بمقتری بموجب قانون متاخر عملی که مقتری بدیگری نسبت داده از صورت جرم بودن خارج شود. یا عمل در تاریخ انتساب جرم نباشد ولی بموجب قانون بعدی جرم معرفی شود

زیرا در صورت وجود هر یک از شقوق فوق چون به موجب ماده ۶ قانون مجازات عمومی شخص مورد اسناد خود قابل تعقیب نیست نمی تواند تقاضای مجازات اسناد دهنده را بنام مقتری بنماید (۱)

ب - کیفیت اسناد

طبق ماده ۲۶۹ اسناد جرم باید صراحت داشته ولی بموجب ماده ۲۶۹ مکرر ممکن است حتی اظهار اکاذیب با اعمال بر خلاف حقیقت تلویحی ولو بعنوان نقل قول باشد اما بدیهی است باید معلوم باشد که مقتری در هر حال چه امری را نسبت داده و در این خصوص نتایج ذیل قابل ملاحظه است .

۱ - اگر اسناد مبهم و مقصود گوینده بدون تأویل واضح نشود (۲)

۲ - اگر اسناد مشروط بوده ولو صراحت با ارتکاب یکی از جرائم یا اکاذیب با اعمال بر خلاف حقیقت داشته باشد (۳)

۱ - ماده ۶ قانون مجازات عمومی - مجازات باید بموجب قانونی باشد که قبل از ارتکاب آن عمل مقرر شده باشد و هیچ عملی را نمی توان بعنوان جرم بموجب قانون متاخر مجازات نمود لیکن اگر بعد از ارتکاب جرم قانونی مقرر شود که مبنی بر تخفیف یا عدم مجازات باشد نسبت بجرمهای سابق بر وضع آن قانون نیز مؤثر خواهد بود

۲ - مثل آنکه بنویسد اگر اسفندیار بخانه هوشنگ برود در آنجا سرقت واقع خواهد شد

۳ - مثلاً شخصی بدیگری نسبت دهد. اگر اموال مراد نکنی سارق آن هستی .

۱ - افتراء لفظی

۲ - افتراء کتبی

۳ - افتراء عملی

چون افتراء لفظی و کتبی در تمام جهات یکی هستند بحث نسبت بآن بکجا بعمل میآید و سپس از افتراء عملی صحبت خواهد شد

قسمت اول

افتراء لفظی و کتبی

عناصر مشکله جرم افتراء عبارتند از :

۱ - اسناد .

۲ - قصد اضرار بغير (غرض) یا تشویش از هالت

عمومی یا مقامات رسمی .

۳ - عدم توانائی اثبات صحت انتساب

۱ - اسناد

اسناد عبارت است از اینکه کسی امری را (که ممکن است عمل یا انجام ندادن عمل باشد) بدیگری نسبت دهد و بطریقی که بین فعل منتسب و مسند الیه رابطه مستقیمی موجود باشد و در اسناد مطالب ذیل مورد نظر و بحث است .

الف - موضوع اسناد

مطابق ماده ۲۶۹ قانون مجازات عم - ومی موضوع مورد اسناد باید امری باشد که طبق قانون مجازات آن امر جنبه یا جنایت باشد و عبارت دیگر باید کسی ارتکاب جرم جنبه یا جنایت را بطوری بدیگری نسبت دهد که شخص اخیر بموجب قانون اگر واقعاً مرتکب آن جرم شده بوده در محکمه صالحه قابل تعقیب باشد و بموجب ماده ۲۶۹ مکرر موضوع اسناد ممکنست اکاذیب یا اعمال بر خلاف حقیقت باشد

در موارد ذیل نمی توان اسناد دهنده را بعنوان مقتری تعقیب و مجازات کرد :

۱ - هرگاه اسناد دهنده عملی را بدیگری نسبت دهد که در قانون آن عمل جرم معرفی نشده یا جزء اکاذیب یا اعمال بر خلاف حقیقت نباشد ولو اینکه اسناد دهنده تصور

فقط در يك مجمع نسبت مذکور را بکسی داده باشد مرتکب جرم افتراء نشده است ولی دسته دیگر چنین معتقدند که توجه بروح قانون در قوانین مجازاتی وقتی ممنوع است که لاطمه باصل قانون و منظور آن بزند و ماهیت قانون را تغییر دهد نه در موقعی که نظر قانون گذار اساساً از وضع آن بموجب مفاد عمومی قانون معلوم باشد بنا بر این طبق ماده ۲۶۹ حصر مجازات در مواردیکه فقط اوراق چاپی یا خطی منتشر شده و نطق در مجامع بعمل آمده بی مورد است زیرا نظر عقن از وضع فصل ۱۴ بطور کلی این بوده که حیثیت افراد را از یاده گوئیها و افتراءات دیگران که ناشی از غرض حسادت خود خواهی و سایر رذایل است محفوظ داشته و کسی نتواند بدون جهت و مجزی شئون دیگری را دستخوش اظهارات مفرضانه خود نماید معیناً اگر کسی بوسیله یکورقه بدیگری تهمت زد قابل تعقیب است و این ایراد را هم (که بایکورقه حیثیت یک نفر لکه دار نمیشود زیرا :

بیش از يك یا دو نفر از مفاد آن مطلع نمیشوند) چنین جواب میدهند که ایراد مزبور وارد نیست چه آنکه با این فرض اولاً اگر دو ورقه هم از ناحیه متهم صادر شود باز همان تأثیر یکورقه را دارد و حال آنکه بنا بنا بظاهر ماده در مورد صدور یا انتشار دو ورقه متهم باقراء قابل تعقیب است ثانیاً - مجازات بواسطه هتک احترام و از جهت نفس عمل مذکور وضع شده و فرقی نمیکند که عدد زیادی از آن مطلع شوند یا یک نفر ثالثاً - در صورت تسلیم بعقیده دسته اول باید در مورد نطق در مجامع نیز گفته شود اگر شخصی در مجمعی که مرکب از دو هزار نفر است مرتکب جرم افتراء شد قابل تعقیب نیست زیرا فقط در يك مجمع نطق کرده ولی اگر در سه مجمع که هر يك از ده نفر تشکیل شده مرتکب جرم مزبور شد قابل تعقیب است! و عمل باین ترتیب نقض غرض است رابعاً در موردیکه مفتری یکورقه اعلام جرم نسبت بدیگری بمقامات صالحه داده و طرف او تحت تعقیب قرار گرفته سپس در محکمه تبرئه شده آیا يك شهر یا اقلاعده کشتیری پس از جلوس او بصدلی محاکمه برانتهام او آگاه نشده اند و باین کیفیت

۳ - اگر اسناد دهنده کسی را مظنون بارتکاب جرم یا اعمال بر خلاف حقیقت معرفی کرده باشد (۱)
 ۴ - اگر نوع جرم و عمل بر خلاف حقیقت در نسبت معین نشده باشد (۲)

ج - وسیله اسناد

وسيلة اسناد ممکن است اوراق چاپی - خطی - اعلانات - مراسلات - عریض - گزارشها یا نطق در مجامع باشد و شرایط ذیل نیز ملحوظ است :

۱ - باید اوراق و نوشتجات فوق الذکر از بدو بنده آنها خارج شده بدیگری رسیده یا منتشر شده باشد بنا بر این تا زمانیکه یکی از نوشته های مذکوره در نزد تنظیم کننده آن باقی است و بکسی ارائه نشده جرم افتراء واقع نشده است
 ۲ - امضاء اوراق مزبوره یا عدم امضاء آنها از طرف مفتری تفاوت ندارد حتماً لازم نیست آن اوراق را مفتری امضاء کرده باشد ولی بدیهی است صدور از ناحیه او باید مسلم شود

۳ - فرقی نیست بین اینکه مفتری رأساً یا بعنوان نقل قول اسناد داده باشد و در هر صورت قابل تعقیب است (۳)
 در مورد مطلب اول تا بحال دو عقیده مختلف از محاکم و مقامات قضائی دیده شده بدین توضیح که یکدسته گفته اند چون در ماده ۲۶۹ وسیله اسناد بصیغه جمع (اوراق) (نطق در مجامع) بیان شده و در قوانین مجازاتی توجه بروح قانون جایز نیست پس اگر متهم بجرم افتراء فقط یکورقه خطی یا چاپی نزد دیگری یا مقامات رسمی بفرستد و در آن نسبت جرم بخورد او یا شخص یا اشخاص ثالثی داده باشد قابل تعقیب نیست و هم چنین اگر در مجامع نطق نکرده و

۱ - طبق ماده ۶۴ اصول محاکمات جزائی شاکی باید در شکایت خود قید کند که مظنون کیست .
 ۲ - مثل آنکه چنین نسبت داده شده باشد : پرویز مجرم است . یا بهرام مرتکب اعمال بر خلاف حقیقت شده است .
 ۳ - اگر ناقل قول وکیل در آن اظهار باشد قابل تعقیب نیست مگر آنکه از حدود وکالت تجاوز کرده باشد .

لازم است زیر اطلاق ماده ۲۷۷ قانون مجازات عمومی تعقیب مقتری (قابل مجازات را بموجب ماده ۲۷۱) موکول بشکایت مدعی خصوصی است ولی تعقیب مرتکب جرایم مذکوره در ماده ۲۶۹ مکرر ظاهر آماج شکایت مدعی خصوصی نیست در حل این اشکال چهار نظر پیدا شده :

اول آنکه مواد ۲۶۹ تا ۲۷۱ نسخ ضمنی شده و بنابراین هرگاه ارتکاب جرمی بدیگری نسبت داده شود مرتکب طبق ماده ۲۶۹ مکرر باید مجازات شود زیرا حداکثر مجازات مذکوره در ماده اخیر دو سال و حداکثر مجازات مذکور در ماده ۲۷۱ یکسال است و بعید بنظر میرسد که اسناد دهنده جرم را بدیگری بیش از یکسال نتوان حبس کرد ولی اسناد دهنده عمل بر خلاف حقیقت را تا دو سال بتوان مجازات نمود در صورتیکه نفس عمل بر خلاف حقیقت قطعاً زشت تر از امری که جرم معرفی شده نباشد بعلاوه کسی که ارتکاب جرم بار اسناد داده شده ممکن است با اعلام اسناد دهنده مورد تعقیب هم قرار گیرد و حال آنکه مرتکب عمل بر خلاف حقیقت تعقیب نخواهد شد

دوم - آنکه مواد ۲۶۹ تا ۲۷۱ نسخ ضمنی نشده و بنابراین اسناد دهنده جرم باید طبق مواد مزبوره تعقیب و مجازات شود و نسبت دهند که اکاذیب و اعمال بر خلاف حقیقت بموجب ماده ۲۶۹ مکرر و این اعمال که غیر از امری هستند که قانون آنها را جرم دانسته و حتی تعقیب دسته اخیر هم نیز بسته بشکایت مدعی خصوصی است (با آنکه ماده اخیر الذکر تعقیب آنها را موکول بشکایت نکرده است) زیرا اولاً نسخ قوانین جزائی (مجازاتی) اصولاً نص صریح میخواید مخصوصاً وقتی که تصور نسخ موجب تشدید مجازات متهم و سرعت تعقیب او باشد. (مثل مورد بحث) ثانیاً - چون تعقیب مقتری (اسناد دهنده جرم) موکول بشکایت مدعی خصوصی است ناچار تعقیب اسناد دهنده اکاذیب و اعمال بر خلاف حقیقت نیز باید بشکایت مدعی شروع شود چه آنکه ماده مزبوره را تبع مواد سابق الذکر وضع شده بعلاوه تا کسی بمقامات صالحه اعلام اسنادات مذکوره را ننماید دعوی طرح نخواهد شد و

باید گفت شخص مزبور پس از تبرئه حق تعقیب اعلام کننده جرم یا مدعی خصوصی خود را ندارد بعلمت آنکه او فقط یکورقه شکایت نامه نوشته است !

از ملاحظه استدلال طرفین فوق الذکر بخوبی معلوم است که نمیتوان عقیده هیچیک را بدون دقت قبول بارد کرده البته توجه بروح قانون در قوانین مجازاتی بهر عنوانی که باشد جائز نیست ولی اگر بگوئیم چون قانون برای مجازات هتک حرمت افراد وضع شده قانون گذار خواسته است تمام وسائل را که مقتری برای ارتکاب جرم ممکن است بکار ببرد ذکر کرده باشد و از این لحاظ وسائل مزبوره را بصیغه جمع ادا کرده چه اشکالی دارد ؟ اتخاذ این نظر توجه بروح قانون نیست و ممکن است آنرا استنباط یا تفسیر دانست ولی از طرفی می توان گفت اولاً اصل کسلی در امور جزائی رعایت ارفاق بحال متهم است ثانیاً - اینکه در ماده ۲۶۹ و حتی ماده ۲۶۶ مکرر وسائل اقتراء بصیغه جمع ذکر شده برای این است که مقنن نظرش این بوده که اگر متهم اسناد را بوسائل متعدده داده باشد یا در بیش از یک مجمع نطق کرده مسلم است که در ارتکاب متعمد بوده و سوء نیت در هتک حرمت دیگری داشته و حال آنکه اگر یکورقه از ناحیه متهم صادر یابد یک مجمع نطق کرده میتواند رفاع نماید که غرض نداشته است و بنا بر این آگاه شدن عد، زیاد یا کم بر هتک حرمت مناسط وقوع جرم اقتراء نیست بلکه اصرار و تعدد اسناد دهنده مؤثر است .

بهر حال باید تصدیق کرد که در تلفیق عبارات مواد مذکور مسامحه شده است .

مطلب دیگر آنکه (اکاذیب) و (اعمال برخلاف حقیقت) را که در ماده ۲۶۹ مکرر مذکور است چگونه باید معنی کرد ؟ آیا اگر کسی ارتکاب جرم را بدیگری نسبت داد می توان بطور عام گفت اعمال برخلاف حقیقت یا اکاذیب را بدیگری اسناد داده یا خیر و اعمال مذکوره و اکاذیب غیر از موضوعاتی هستند که جرم معرفی شده اند و عبارات دیگر آیا با وضع ماده ۲۶۹ مکرر مواد ۲۶۹ تا ۲۷۱ سابق الذکر نسخ ضمنی شده است یا خیر و رفع این اشکال

برخلاف عدالت است که مقتری (اسناد دهنده جرم) بشکایت مدعی تعقیب شود ولی نسبت دهنده يك امر دزوغ رأساً مورد تعقیب قرار گیرد. در صورتیکه ممکن است شخص اول جرم قتل بدیگری نسبت داده و متهم بقتل مورد تعقیب هم واقع شده ولی نفر دوم فقط يك دروغ کوچکی گفته باشد. سوم - آنکه مواد ۲۶۹ تا ۲۷۱ نسخ ضمنی نشده ولی مرتکبین جرایم مذکور در ماده ۲۶۹ مکرر رأساً قابل تعقیب هستند. زیرا نه دلیلی بر نسخ مواد مذکوره موجود است و نه ماده اخیر الذکر صراحت دارد باینکه تعقیب متهم موکول بشکایت مدعی خصوصی است.

چهارم آنکه - مواد ۲۶۹ تا ۲۷۱ نسخ ضمنی نشده و تعقیب مرتکبین جرایم مذکور در ماده ۲۶۹ مکرر رأساً بعمل آید. ولی اگر کسی بنام مستعار (بدون عنوان مدعی خصوصی) اعلام جرمی کرد و جرم ثابت نشد شخص مذکور طبق ماده اخیر الذکر قابل تعقیب خواهد بود ولو که ارتکاب جرم را بدیگری نسبت داده است زیرا ظاهر مواد ۲۶۹ تا ۲۷۱ دلالت بر مقتری بودن کسی دارد که خود را صریحاً معرفی کرده باشد و نتوانسته ادعای خود را بشبوه برساند ولی درباره کسی که نام عاریه بخود گرفته و در مقام تعقیب هم منکر اسناد جرم بدیگری است چگونه میتوان طبق مواد مذکوره رفتار و از او خواست که صحت امر منتسب را اثبات نماید؟ نظریات فوق الذکر بشرح ذیل قابل بحث و اشکال است:

نسبت بنظر اول

اولاً ماده ۲۶۹ مبین تعریف خاص از افتراء است و ماده ۲۶۹ مکرر که خود نیز تعاریف دیگری از اقسام افتراء و اسناد دربردارد (با آنکه مفاد دو ماده مذکور مانع الجمع نیستند) نمیتواند ناسخ ماده آنف الذکر باشد.

ثانیاً - در ماده ۲۷۰ حق اثبات امر منتسب بمتهم بافتراء داده شده اگر ماده مذکور ناسخ شده بدانیم لازم میآید که متهم مزبور در مقام تعقیب خود بتواند يك امر جنائی را که بدیگری نسبت داده بعنوان ادعای اثبات در محکمه

جنحه (که بجرم افتراء رسیدگی میکند) طرح و ثابت نماید و با صالح بودن محکمه مزبوره در رسیدگی بجنایت چگونه میتوان گفت ادعای مذکور ثابت میگردد که بالنتیجه اسناد دهنده معاف از مجازات شود؟

ثالثاً - معلوم نیست هر جرمی زشت تر از بعضی امور برخلاف حقیقت باشد بعلاوه اینگونه استدلال در امور جزائی قابل توجه نیست.

رابعاً - اصل ارفاق بمتهم متهمی است که بدین جهت مقتری (اسناد دهنده جرم) با شکایت مدعی خصوصی باید تعقیب شود.

خامساً - اگر مواد مذکوره را منسوخ بدانیم لازمه اش این است که مستنطقین و محاکم جزائی در مواردی که قرار منع تعقیب متهم یا حکم تبرئه او را صادر میکنند خود رأساً مدعی خصوصی را طبق ماده ۲۶۹ مکرر تعقیب نموده یا دستور تعقیب او را بدهند.

نسبت بنظر دوم

قسمت اول این نظر بی اشکال است ولی در قسمت دوم چون ماده ۲۶۹ مکرر مشعر نیست که تعقیب مرتکبین جرائم منظور در آنهم بسته بشکایت مدعی خصوصی است نمیتوان معتقد باین امر شد. بعلاوه وقتی که اسناد برای تشویش اذهان مقامات رسمی داده شده باشد فرس مدعی خصوصی بودن آن مقامات برخلاف تعریف مدعی خصوصی است (۱۰).

نسبت بنظر چهارم

این نظر در قسمت قابل تعقیب بودن شخصی که بنام عاریه یا موهوم اعلام جرم کرده طبق ماده ۲۶۹ مکرر خالی از اشکال نیست زیرا اولاً مواد ۲۶۹ تا ۲۷۱ چنین دلالتی ندارد که حتماً مدعی بنام حقیقی خود باید

۱۰ - ماده ۹ اصول محاکمات جزائی:

«شخصی که از وقوع جرمی متحمل ضرر و زیان (یعنی خسارت مالی) شده است و در ضمن ادعای عمومی (از طرف مدعی العموم) مطالبه غرامت و خسارت مینماید مدعی خصوصی محسوب میشود.»

- ۲ - اگر اشخاصی که بآنها اهانت شده نامبرده نشده باشند (۱۴) .
- ۳ - اگر شخص مورد اسناد در خارجه مقیم باشد و عملی که باو نسبت داده شده در محل اقامت او جرم نباشد ولو در قانون ایران جرم محسوب شود . (۱۵)
- ۴ - در صورتیکه نسبت ارتکاب جرم یا اعمال برخلاف حقیقت بشخص موهومی داده شده باشد (۱۶) .
- ۵ - وقتی که شخص مورد جرم افتراء شکایت نکند (۱۷) .
- اما در موارد ذیل نسبت دهنده قابل تعقیب است :
- ۱ - اگر نسبت بشخص غایت داده شده باشد .
- ۲ - هرگاه نسبت به عده معین از چند نفر بخصوص داده شود . (۱۸) .

سؤال

اگر شخصی بچند نفر صریحاً نسبتی داده و شکایت یکی از آنها بنام مقتری تعقیب و محکوم بمجازات شده آیا یک نفر دیگر از همان عده یا بقیه آنها میتوانند نسبت بحق

- ۱۴ - مثلاً چنین نسبت داده باشند : « آنهائیکه دزدی میکنند . کسانیکه خائن بکشور هستند . ای دزدها . ای آدم کشها ای کلاه بردارها . . . »
- ۱۵ - زیرا ممکن است مقتری مدعی شود که ارتکاب جرم منتسب بشخص مقیم خارجه را ثابت خواهد کرد و چون ثبوت آن باید با تعقیب شخص مزبور توأم باشد و تعقیب او هم در ایران مجوز قانونی ندارد (ولو مراجعت کرده باشد) لذا تعقیب مقتری نیز ممکن نیست .
- ۱۶ - مگر اینکه اظهارات نسبت دهنده صورت اکاذیب را بخود بگیرد .

- ۱۷ - جرم افتراء منطبق باماده ۲۶۹ قانون مجازات بموجب ماده ۲۷۷ همان قانون بشکایت مدعی خصوصی قابل تعقیب است .
- ۱۸ - شخصی بچهار نفر معین اظهار کند « یکی از شما جاعل هستید »

اسناد داده باشد و اصولاً اسامی مدعیان در صورتیکه جرمی نسبت بآنها واقع شده تأثیر در موضوع جزائی ندارد و از عناصر جرم یا شرط صحت دعوی نیست و مجنی علیه ممکنست هر اسامی برای خود قائل شود .

ثانیاً - سلب حق (انبات امر اسناد داده شده) از اعلام کننده مزبور که اینک بنام مقتری تعقیب میشود منحصر بچنین متهمی نیست چه بسا در موارد دیگر که مقتری در اول بنام اصلی خود ارتکاب جرم را بکسی نسبت داده و در موقع تعقیب منکر افتراء شده و حتی خط و امضاء خود را نیز انکار کرده است (۱۲) .

طرف اسناد یا مستندالیه

کسی که مورد اسناد واقع میشود باید شخص یا اشخاص معینی باشند در موارد ذیل اسناد دهنده را نمی توان مورد تعقیب قرار داد :

- ۱ - اگر مورد اسناد میت باشد (۱۳) .

(۱۲) - اخیراً در باب اتهام شخصی دارای نام حقیقی (...) که بنام عاویبه (خرامان) ارتکاب قتل زنی را بدیگری نسبت داده و پس از رسیدگی مستنطق کرمانشاهان قرار منع تعقیب متهم بقتل را صادر سپس رأساً شخص اعلام کننده مذکور را طبق ماده ۲۶۹ مکرر تعقیب و مجرم دانسته بود نگارنده با قرار مستنطق مخالفت کرده و بمناسبت عدم شکایت مدعی خصوصی (متهم بقتل) و انطباق مورد باماده ۲۶۹ عقیده بمنع تعقیب متهم بافتراء اظهار و محکمه استیناف نظر اینجانب را تأیید کرده است .

۱۳ - بموجب ماده ۳۹ قانون مطبوعات هتک احترام نسبت با موات ممنوع است ولی در ماده مذکور صریحاً برای مرتکب تعیین مجازات نشده و ممکن است گفت مجازات طبق ماده ۳۷ قانون مزبور باید تعیین شود . ولی چه کسی در این باب مدعی خصوصی است که بشکایت او مقتری تعقیب شود؟ اگر وراث را مدعی خصوصی بدانیم چه ضرر مالی بآنها وارد آمده؟ ولی بدیهی است اگر منظور مرتکب از اظهارات نسبت بمیت این باشد که بوراث او تلو یحاً توهین کرده و اکاذیب یا اعمال برخلاف حقیقت نسبت بآنها داده باشد طبق ماده ۲۶۹ مکرر قابل تعقیب خواهد بود .

خصوصی خود نیز شکایت نمایند و خواهش تعقیب مجدد مفتری محکوم را بنمایند یا نه؟ (۱۹)

در بدو امر ممکن است گفت اجابت تقاضای شاکیان مزبور و تعقیب ثانوی مفتری اشکالی ندارد و چنین استدلال کرد که تعقیب و مجازات او در سابق بواسطه اهانتی بوده که بیک نفر وارد آورده و مجازات اقترای برای حفظ احترام شخصی افراد وضع شده است چون اظهار اولیه مفتری متضمن توهین بچند نفر بوده البته اظهاراتش اثر بیشتری داشته و جرائم متعددی را مرتکب شده (۲۰) و بهمان نسبت باید مجازات او زیاد تر معین شود. بنا بر این همانطور که شخص اول اهانت بخود را بوسیله شکایت و مجازات مفتری جبران و احقاق حق کرد سایرین که اقترای آنها نیز توجه کرده این حق را دارند و ممکن است بشکایت هر یک دوباره و سه باره رسیدگی و نسبت بمتهم حکم مجازات صادر نمود. ولی این استدلال مخدوش است زیرا: اولاً مجازات مرتکب جرم از باب انتقام نیست و برای تنبیه و تهذیب اخلاق او و رعایت حال و رفاهیت جامعه است ثانیاً - راست است که مجنی علیهم هر یک بسهم خود مورد اقترای واقع شده اند و جرم در توجه بانها تقسیم شده ولی باین علت نمیشود گفت متهم مرتکب جرائم متعدد شده زیرا مشار الیه که ضمن یک انشاء نسبت بچند نفر هتک حرمت نموده در حقیقت بیشتر از یک عمل مرتکب نشده که آن عمل جرم محسوب و مجازات را بعلت همان عمل برای او تعیین کرده اند و اگر اثر جرم پس از ارتکاب منتشر شده و باشخاص متعددی برخورد و با یک جرم دارای آثار متعددی پس از ارتکاب باشد موجب تعدد جرم نمیشود تا مرتکب را بتوان چند مرتبه و بتقاضای اشخاص مزبوره تعقیب و مجازات کرد...

بعبارة اخری - مرتکب يك حرف زده و يك مجازات دیده. ثالثاً ظاهر عبارت ماده ۲۶۹ نیز دلالت دارد که اگر جرم اقترای نسبت بچند نفر در يك انشاء واقع شده باشد جرم

۱۹ - کسی بسه نفر بگوید: « شما هر سه کلاه برداری کرده اید. »
 ۲۰ - در حقوق این جرم را اصطلاحاً (متعدد معنوی) نامیده اند.

واحدی وقوع یافته و مرتکب مستحق یک مرتبه مجازات است رابعاً - ضرر مدعی خصوصی بواسطه مجازات متهم جبران نمیشود و هر یک از شاکیان مزبور با آنکه متهم در چنین موردی بمجازات رسیده در تقاضای حق خصوصی خود می-توانند بمقامات صالحه حقوقی مراجعه نمایند.

۲ - قصد اضرار بغير

یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی

الف - قصد اضرار

در جرم اقترای باید از اسنادی که داده میشود ضرری بدیگری وارد شود یا ورود ضرر امکان داشته و قصد اضرار در مفتری باشد بدین توضیح که مقصود مشار الیه از اسناد اهانت بکسی و بزحمت انداختن او و در ارتکاب تعدد داشته باشد و بخواهد که نتیجه اقترای و تحقیق او برای طرف مشقت آور باشد و البته علت ارتکاب در قصد مفتری تأثیری در عدم وقوع جرم ندارد و نمیتوان علت ممدوح را که مرتکب در ارتکاب جرم اقترای در نظر گرفته موجب معافیت او از مجازات دانست (۲۱)

از مطالب فوق مسلم میشود که در مورد جرم اقترای لازم نیست همیشه ضرر بر طرف جرم وارد شده باشد. بلکه برای تحقق جرم کافی است که قصد اضرار در حین ارتکاب در مجرم موجود باشد و بنابراین ممکن است:

۱ - از اسناد جرم یا عمل برخلاف حقیقت ضرر بر دیگری وارد شود ولی قصد اضرار در مرتکب موجود نبوده است که در این صورت مشار الیه مجازات نخواهد شد. (۲۲)

۲ - از اقترای ضرر بردیگری وارد نشده ولی ورود آن امکان داشته و مرتکب دارای قصد اضرار بوده که در این صورت مستحق مجازات خواهد بود.

۲۱ - محکمه می تواند آن را موجب تخفیف مجازات تلقی نماید.

۲۲ - ممکن است مرتکب اسناد را در مقام شوخی داده باشد.